



داخل کشور

نشریه گروهی از فدائیان خلق ایران - داخل کشور

سه‌شنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۸۷
شماره ۸ - صفحه ۱

اخراج فرخ نگهدار از سازمان

طرح پیشنهادی به کنگره یازدهم سازمان فداییان خلق ایران – اکثریت

رفقا! اینک که شما به نام کنگره و نمایندگان سازمان در مهم‌ترین همایش فداییان خلق ایران – اکثریت گرد هم آمده، و «بررسی سیاست سازمان در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲» و «علل و عوامل ضربات سال ۶۵» را هم در دستور کار خود دارید، بنام بخشی از هواداران سازمان، شما را فرامی‌خوانیم بررسی‌ها خود را تنها به شناخت موارد یاد شده محدود نسازید. رفقا! پرداختن به اشتباهات و انحرافات نمی‌تواند از شناخت و معرفی عوامل و افراد شکل دهنده آن جدا باشد. انتقاد و انتقاد از خود صفت ممیزه هر کمونیست و فدایی راستین است، از همین رو ما از شما بی-محباترین انتقاد و برخوردها را با عوامل ضربات ۶۵ و خطاهای سیاسی سازمان در اوایل انقلاب انتظار داریم.

سال‌های ۵۷ تا ۶۵ بحرانی‌ترین سال‌های سازمان در بعد از انقلاب بشمار می‌آید. بزرگترین خطاها و اشتباهات در این سال‌ها رقم خورد. سیاست فاجعه‌بار دفاع از جمهوری اسلامی، انشعابات مکرر در تشکیلات، شکل‌دهی خوش-بینانه و بی‌خردانه تشکیلات بخصوص بعد از ضربه به حزب توده، رفتار غیر مسئولانه در قبال اعضای تشکیلات داخل کشور پس از خروج رهبری، ناکارآمدی تشکیلاتی در مقابله با اقدام‌های تابستان و پاییز سال ۶۷، انحلال تشکیلات بجای ترمیم و سازماندهی مناسب و ... در وهله نخست ناشی از مدیریت نادرست و انحراف رهبری سازمان و در مراحل بعدی کادرها و اعضای تشکیلات بوده است. البته نقش ضدانقلابی جمهوری اسلامی و ماشین سرکوب آن در دستگیری، شکنجه، زندان و اعدام فیلین سیاسی و فداییان خلق را نباید از منظر دور داشت و تقصیر این همه تهبکاری را بپای اشتباهات رهبران سازمان نوشت. ولی جدای از نقش و سهم جمهوری اسلامی از آنچه که بخود ما برمی‌گردد، نقش رهبری وقت سازمان عمده و از میان رهبران سازمان نیز سهم آقای فرخ نگهدار بیش از دیگران بوده است. وی به لحاظ مسئولیت و احاطه‌اش بر تشکیلات، در تمامی این فجایع نقش اول و تعیین کننده‌ای داشته است. اگر بخواهیم با مراجعه به داشته‌های خود و آنچه که تاکنون آشکار گشته دادنامه‌های علیه دبیر اول سابق کمیته مرکزی سازمان تنظیم کنیم، طوماری طولانی خواهد شد. از این میان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود که رهبری سازمان و بخصوص فرخ نگهدار مسئولیت اصلی آن را بردوش دارند:

- تحمیل سیاست فاجعه‌بار حمایت از جمهوری اسلامی به تشکیلات
- تقلب در رأی‌گیری برای انتخاب اولین کمیته مرکزی سازمان در بعد از انقلاب، که به کنار گذاشتن رفیق هادی لنگرودی از کمیته مرکزی و آوردن فرخ نگهدار به جای او منتهی شد. روندی که در انشعاب اقلیت بی‌تأثیر نبود.
- پیش‌برد سیاست فاجعه‌بار اتحاد (ادغام) با حزب توده و در پیش گرفتن رفتاری که به انشعاب – اخراج – رفقای پیرو بیانیه ۱۶ آذر گردید.
- برخورد مشتمل کننده و غیر اخلاقی با رفیق لیلی‌رودی و تلقین عامل سیا بودن وی در جریان انشعاب ۱۶ آذر
- سازماندهی تهاجمی تشکیلات پس از ضربات اوایل دهه ۶۰ که ضربات فاجعه‌بار ۶۵ را منجر گردید.

- یاری‌گیری‌های غیر دمکراتیک برای تسلط بر تشکیلات

- ایجاد رهبری در سایه از اوایل انتخاب به دبیر اولی کمیته مرکزی
- سازمان تحت رهبری وی نتوانست تشکیلات را برای تحمل ضرباتی که انتظار می‌رفت آماده نماید، از شدت ضربات بکاهد، و تمهیدات لازم را برای بعد از ضربات برنامه‌ریزی نماید.
- درگیری‌های درون تشکیلاتی ناشی از سوء مدیریت وی، کارایی سازمان را برای مقابله با موج اقدام‌های سال ۶۷ از بین برد. بطوریکه سازمان حتی نتوانست اعتراضات قابل توجهی را در خارج از کشور سازماندهی نماید.

- عدم همکاری با کمیسیون برکزیده گنگره اول برای تحقیق در خصوص ضربات سال ۶۵
- سرقت اسناد سازمانی از گاو صندوق سازمان در تاشکند و عدم ارائه آن به کمیسیون تحقیق
- برنامه‌ریزی روند استحاله سازمان برای انحلال، با سوق دادن اعضای سازمان به عضویت مکرر در اتحاد – حزب – جمهوری خواهان
- متارکه با دیدگاه‌های سوسیالیستی و دفاع از سرمایه‌داری و ظرفیت‌های آن، در تمامی نوشته‌ها، مصاحبه‌ها و در جشن بزرگداشت سازمان در سال ۸۶
- ... !

شواهد غیرقابل انکار حاکی از آنست که وی نه علاقه‌ای به بنیان‌های فکری پایه‌گذاران سازمان دارد و نه سوسیالیسم را نظامی انسانی و قابل دسترس می‌داند. فرخ نگهدار سال‌هاست که با سازمان ما و جنبش فدایی علایق مشترکی ندارد، او از قتل این نام تنها ارتزاق می‌نماید. و عشق سرکردگی و نیاز به تأمین سیاهی لشکر از بدنه فداییان است که بقای او را در سازمان توجیه می‌کند، تا نتواند بشکلی شرافتمندانه صفوف سازمان را ترک نماید.

مصالحه در پشت پرده با صاحبان قدرت جزء لاینفک شخصیت سیاسی نگهدار محسوب می‌گردد. و از آنجائیکه وی اساساً اعتقادی به نیروی توده‌ها ندارد، نگاهش همواره به سوی قدرت و خود شیفته قدرت بوده، و در این راه از انجام هیچ عملی اباء ندارد. عالی‌جناب سرخ‌پوش سازمان ما سال‌هاست که شورای مرکزی را در چنبره خود دارد، حتی اگر در شورای مرکزی سازمان حضور نداشته باشد. باند وی هنوز دارای ساختارهای ناشناخته‌ای در سازمان فدائیان خلق ایران – اکثریت می‌باشند.

فارغ از تمامی این مسائل فرخ نگهدار بعنوان دبیر اول کمیته مرکزی سازمان در این سالها بایستی مسئولیت اصلی تمامی اشتباهات و انحرافات و ضرباتی را که به سازمان وارد آمده بپذیرد، وی اگر ذره‌ای از صداقت فدایی را در نهاد خود حفظ کرده بود، برای تمام عمر سیاست را کنار می‌گذاشت و به افتخار بازنشستگی سیاسی نایل می‌گردید. سیاست‌های نادرست وی در اعدام، شکنجه، زندانی و در بدری صدها رفیق سازمانی توسط رژیم جمهوری اسلامی مؤثر بوده است. فرخ نگهدار بعنوان متهم اصلی انحرافات سازمان، دفاع نامیمون از جمهوری اسلامی و عملکرد فاجعه‌بارش پس از خروج از ایران، می‌بایستی از سازمان کنار گذاشته شود. اخراج فرخ نگهدار از سازمان کمترین بهایی است که وی برای تمامی اشتباهات، انحرافات و جنایت‌های خود می‌پردازد.

“رفقا! با اخراج فرخ نگهدار از سازمان برای همیشه، زخمی از زخم‌های فداییان خلق را التیام بخشیم.”

زنده باد سوسیالیسم، صلح، دمکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی

جمعی از هواداران سازمان فداییان خلق ایران – اکثریت (داخل کشور)

۱۸/۱/۱۳۸۸